

حقوق جزا اختصاصی 2

فصل اول : کلاهبرداری

مبحث اول- کلیات:

مقدمه

- 1- اغفال قربانی و جلب نظری برای اینکه مال خود را به دست خودش در اختیار کلاهبردار قرار دهد، احتیاج به انجام مانورهای متقلبانه، صحنه سازی و پشت هم اندازی توسط مجرم دارد .

2- این جرم از زمره جرایم یقه سفیدها محسوب می شود و بیشتر جرم ثروتمندان است.

3- قربانیان این جرم اغلب رغبتی برای گزارش کردن آن به پلیس ندارند.

4- بسیاری از انواع کلاهبرداریها تحت پوشش بیمه قرار نمی گیرد.

الف- تاریخچه جرم کلاهبرداری :

1- غالباً از کلاهبرداری تحت عناوینی چون جرم جدید یا بحران قرن بیستم یاد می شود.

2- در حقوق روم کلاهبرداری تحت عنوان و احدى یعنی فورتم در کنار سایر جرایم علیه اموال از قبیل سرقت و خیانت در امانت قابل مجازات بود.

3- در فرانسه کلاهبرداری تا قبل از تصویب قانون جزای سال 1810 نوعی سرقت تلقی می شد . 4- کلاهبرداری در سال 1757 وارد قوانین موضوعه انگلستان شد و در حال حاضر بخش قانون سرقت مصوب سال 1968 را تشکیل می دهد.

✓ - جرایمی مثل جعل و قلب سکه از سال 1292 در انگلیس ممنوع اعلام شد و از سال 1350 م. تحت عنوان جرمی خیانت آمیز محسوب شد.

✓ - عالیترین مرجع نظارت مالی و پولی در دولت آمریکا دفتر حسابرسی عمومی است.

✓ - در سال 1984 م. خسارت ناشی از کلاهبرداری در لندن سه برابر سایر جرایم علیه اموال بود.

✓ - در ایتالیا آماري در مورد خسارت ناشی از کلاهبرداری وجود ندارد، اقتصاد زیرزمینی وجود دارد.

✓ - کلاهبرداری پس از آتش سوزی بیشترین خسارت را به تأسیسات رایانه ای اروپا وارد می کند.

ب- جرم کلاهبرداری در فقه اسلامی :

✓ مجازاته ای اسلامی به سه دسته قصاص، حدود و تعزیرات تقسیم می شوند . اجرای حدود در روایات اسلامی، نافع تر از چهل شبانه روز بارتنگی و موجب زنده شدن زمین دانسته شده است.

✓ - کلاهبرداری جرمی «تعزیری» است، در متون فقهی از «کلاهبرداری» تحت عنوان «احتیال» و از «کلاهبردار» تحت عنوان «محتال» نام برده شده است.

ج- جرم کلاهبرداری در قانون مجازات عمومی سال 1304 :

«م. 238 ق.م.ا» به موجب این ماده مرتکب این جرم ، به حبس تأدیبی از 6 شش ماه تا دو سال و یا به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان و یا به هر دو مجازات محکوم می شد. و برای شروع کنندگان حبس تأدیبی دو ماه تا یکسال و تأدیه غرامت از 20 الی 200 تومان

✓ - اصلاح جرم و مجازات کلاهبرداری در سال 1355 ← مجازات آن به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی از ده هزار تا صد هزار ریال افزایش یافت.

د- جرم کلاهبرداری در قوانین بعد از انقلاب :

م 116 قانون م.ا «بخش تعزیرات و پس از آن ماده 1 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری»

و- حیثیت عمومی جرم کلاهبرداری :

1- در حقوق قدیم جوامع بشری، جرایم فاقد جنبه عمومی بودند.

2- بنابراین قربانیان جرایمی مثل قتل، ایراد جرح، سرقت و نظایر آنها تنها از طریق خودیاری یا تقاص قادر به انتقام گیری از مجرمین بود.

3- در این جرم قانون مجازات عمومی در مقام بیان جرایم قابل گذشت اشاره ای به قابل گذشت بودن این جرم نکرده است .

4- به نظر رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور ،تنها اثر گذشت شاکی خصوصی ،آن است که دادگاه می تواند مجازات کلاهبردار را تخفیف دهد.

✓-تفاوت بین حق الله و حق الناس :

- 1- حق الناس می تواند به ارث برده شود.
 - 2- در حق الناس اگر متهم قصد اقرار داشته باشد قاضی حق منصرف کردن وی را ندارد.
 - 3- در حق الناس شهادت بر شهادت پذیرفته می شود .
 - 4- توبه بر حق الناس تأثیر ندارد.
 - 5- در حق الناس محاکمة غیابی متهم امکان پذیر است.
 - 6- قاعده تداخل بین مجازاتها در حق الناس بنابر جمع مجازاتها است.
- ✓- به نظر زرقانی در هر حق الناسی، حق الله نیز نهفته است.(ما من حق لادمی الله والله فیه حق) .
- ✓- در صورت عدم تصریح مقنن ماهیت عمومی جرایم، بر ماهیت خصوصی آن غلبه دارد.
- ه-تعریف جرم کلاهبرداری :

ماده 1 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری در حال حاضر عنصر قانونی جرم کلاهبرداری را تشکیل می دهد.

✓به طور کلی مقنن در ذکر جرایم از سه شیوه تبعیت می کند.

- 1- جرم را تعریف می کند ، مثل«م 197 ق م ا» در رابطه با سرقت
 - 2- فقط مجازات جرم را معین می کند ،مثل «م 170 ق.م» مثل شرب خمر
 - 3- مصادیق جرم را معین می کند، مثل : ماده 1 قانون تشدید ... در رابطه با کلاهبرداری
- ✓تعریف کلاهبرداری: عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوء نیت به وسایل یا عملیات متقلبانه
- ✓- تعریف شروع به کلاهبرداری: «توسل توأم با سوء نیت به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری»

مبحث دوم : عناصر متشکله جرم کلاهبرداری:

گفتار اول :عناصر قانونی :

- 1- این عنصر پرتوی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات
- 2- زیربنای عناصر مادی و معنوی است.
- 3- رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه طولی است نه عرضی.

✓ - ماده یک قانون تشدید و دو تبصره آن «عنصر قانونی این جرم است»

گفتار دوم - عنصر مادی : متشکل از سه جزء است .

1- رفتار فیزیکی : بسته به نوع جرم، فعل مثل سرقت یا ترک فعل است.

2- مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا عدم آنها از نظر قانون شرط تحقق جرم است.

3- نتیجه حاصله از رفتار متهم که باید رابطه علیت با جزء اول فوق الذکر داشته ، یعنی رفتار متهم باعث نتیجه مجرمانه شده باشد.

✓ - همه جرایم لزوماً از هر سه بخش فوق برخوردار نیستند، مثل شروع به جرم که نیاز به بخش سوم یعنی نتیجه ندارد.

*بررسی اجزاء فوق

نخست- رفتار مادی فیزیک:

کلاهبردار حتماً باید با فعل مثبت انجام شود، ترک فعل حتی اگر توأم با سوء نیت بوده و موجب اغفال طرف مقابل و ورود ضرر به او شود نمی تواند عنصر مادی جرم کلاهبرداری باشد. برای مثال : صرف عدم ذکر عیوب مبیع توسط فروشنده به خریدار کلاهبرداری محسوب نمی شود.

دوم- شرایط و اوضاع و احوال:

3- تعلق مال برده شده به دیگری.

الف- متقلبانه بودن وسایل کلاهبرداری «ضابطه نوعی»

✓ متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار : برای تحقق این جرم صرف بودن مال غیرکفایت نمی کند بلکه متقلبانه محسوب شدن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای بردن مال دیگری استفاده کرده است از اهمیت برخوردار می باشد.

✓ - اثبات توسل متهم به وسایل متقلبانه برعهده شاکی «دادستان» است.

✓ - اگر گرانفروشی جنسی را با توسل به وسایل متقلبانه، برخوردار از کیفیت بهتر یا کمیت بالاتر قلمداد نموده و به تبع آن گرانفروشی کند کلاهبردار است.

✓ - حیله و تقلب رکن رکن جرم کلاهبرداری است و عرف، صرف دروغگویی را حیله و تقلب نمی داند.

✓ - ماده 2 قانون تشدید مجازات : هر کس مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و مجازات آن سه ماه تا دو سال حبس است.

✓ - در مورد دروغ نویسی حکم به کلاهبرداری داده نمی شود.

✓ - وجود رابطه مستقیم و قاطع بین توسل به وسایل متقلبانه و اغفال قربانی با بردن مال او شرط ضروری تحقق این جرم است.

✓ - اقامه دعوای زاید بر میزان استحقاقی، مشمول عنوان کلاهبرداری نیست.

✓ - در صورتی که کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول مقارن هم واضح شوند مورد را می توان از مصادیق تعدد معنوی دانست.

✓- اگر شخصی، همان موقعی که طلبش را از بدهکار «شاکي» دریافت نموده سند آن را ندهد به معای ذی که منظورش تقلب و استفاده نامشروع از آن بوده، نگاه دارد و بعد به موجب همان سند بر او اقدام دعوی کند کلاهبردار محسوب می‌شود.

✓- نمونه هایی که از اسنادی، که از لحاظ شکل و ظاهر صحیح ولی درواقع خالی از وجه است استفاده از شناسنامه شخص مرده برای دریافت کالا برگ، ارائه حکم مدیریت شرکت، بوی اخذ مال غیر در حالی که حکم مذکور بعداً لغو شده است.

✓- توسل به وسایل متقلبانه باید مقدم بر تحصیل مال و برای تحصیل مال صورت گیرد.

* اعمالی که کلاهبرداری محسوب نمی‌شود:

1- عمل بدهکاری که با جعل سند وانمود می‌کند که بدهی خود را پرداخته است.

2- یا با تغییر شناسنامه اش خود را شخص غیر از بدهکار واقعی قلمداد می‌کند.

3- عمل تاجری که با دست بردن در دفاتر تجاری، خود را معاف از مالیات قلمداد می‌کند.

✓- غالباً آنچه که موجب فریب قربانی جرم کلاهبرداری می‌شود اجتماع وسایل متقلبانه و غیر متقلبانه است.

✓- حقوق ایران برای احراز رابطه سببیت به نظریه علت مؤثر پایبندی نشان می‌دهد «وسایل متقلبانه علت مؤثر کلاهبرداری»

* مصادیق تمثیلی وسایل متقلبانه در قانون تشدید:

1- فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم

2- فریب دادن مردم به داشتن اموال و اختیارات واهی

3- امیدوار کردن مردم به امور غیرواقع

4- ترساندن مردم از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع

5- اختیار اسم یا عنوان مجعول.

✓ منظور از عنوان، تیتراژ دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی یا غیردولتی است و واژه سمت مخصوص شغلها و مقامات رسمی است.

6- وسایل تقلبی دیگر: ایجاد خطر مصنوعی و گرفتن پول از شرکت بیمه

7- استفاده مالی کردن از دیگری تحت عنوان رمل اندازی برای یافتن اموال مسروقه او.

نک- رأی دیوان: اگر کسی از یک نفر حامل کالای قاچاق، به بهانه این که مال قاچاق دارد پول بگیرد این عمل کلاهبرداری نیست.

نک- رأی دیوان عالی: استفاده مالی کردن از دیگری تحت عنوان رمل اندازی برای پیدا کردن اموال او مشمول ماده 238 ق.م.عمومی است.

- موارد تشدید جرم و مجازات کلاهبرداری:

1- اتخاذ عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا ...

2- استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی:

✓ وسایل ارتباط جمعی شامل فیلم های ویدئویی نیز می شود

✓ انجام یک سخنرانی در یک مجمع نیز کفایت می کند،

✓ نطق در مجمع نیازمند حضور فیزیکی است.

3- مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات دولتی باشد.

نک- در سایر جرایم مثل قتل و سرقت و خیانت در امانت و جرایم راهنمایی و رانندگی، صرف کارمند دولت بودن موجب تشدید مجازات نیست.

نک- اگر کسی بعد از ارتکاب جرم کلاهبرداری به اس تخدام دولت درآید، محکوم به ارتکاب جرم کلاهبرداری مشدد نخواهد شد.

ب-- اغفال شدن و فریب قربانی «ضابطه شخصی»

1- قربانی جرم باید مال را با رضایت اما در نتیجه گول خوردن در اختیار مجرم قرار دهد.

2- کسی را که با استفاده از داروی بیهوش کننده دیگری را بیهوش نموده و مالش را بر می دارد نمی توان به ارتکاب جرم کلاهبرداری محکوم کرد.

3- لزوم فریب خوردن قربانی جرم کلاهبرداری نشان می دهد که ارتکاب این جرم تنها علیه یک انسان قابل تصور است .

4- هر گاه کسی رایانه را به عنوان یک وسیله مورد استفاده قرار دهد، و مثلاً سندی را به وسیله آن جعل کند با استفاده از آن سند شخصی را فریب داده و اموال او را ببرد عمل وی کلاهبرداری محسوب می شود.

5- غالباً کلاهبرداری از مردم صورت می گیرد ولی اختصاص به غیردولت ندارد.

6- اگر کسی با جعل مدرک تحصیلی جایزه ای که برای دارندگان مدرک مذکور پیش بینی شده دریافت گردد مورد را می توان کلاهبرداری دانست.

7- لازمه اغفال و فریب قربانی، عدم آگاهی او نیست ، به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبرداری می باشد.

ج- تعلق مال برده شده به غیر (اعم از منقول و غیرمنقول)،

✓ کسی که با توسل به وسایل متقلبانه مال خود را از تصرف دیگری خارج می کند کلاهبردار نیست.

✓ لازمه تحقق این امر آن نیست که انتقال مال بدون هیچ محمل قانونی و بدون پرداخت هیچ گونه مابه ازای صورت گیرد.

نک- نتیجه حاصله : کلاهبرداری از زمره جرایم مطلق نیست که در آن حصول نتیجه خاصی مورد نظر نیست ، جرم مقید است.

✓ کسی که موجب اشتباه طرف مقابل در مورد هویت خود شده و بدین وسیله او را به انجام معامله با تخفیف اغوا می کند در صورت وجود سایر شرایط کلاهبردار محسوب می شود هر چند معامله باشد.

✓- اگر کسی با استفاده از وسایل متقلبانه، مثلاً با معتبر جلوه دادن خود بتواند موافقت بانک را نسبت به اعطای وام به او جلب نماید، از نظر حقوق انگلیس، کلاهبرداری محسوب، ولی از نظر حقوق ایران کلاهبرداری محسوب نمی شود.

*بردن مال دیگری مستلزم تحقق دو چیز است:

1- ورود ضرر مالی به قربانی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی

2- انتفاع مالی کلاهبردار یا شخص موردنظر وی.

✓- برای تحقق جرم کلاهبرداری علاوه بر ورود ضرر به قربانی جرم، انتفاع کلاهبردار یا شخص موردنظر او ضروری است.

✓- دایمی بودن یا غیر قابل برگشت بودن ضرر وارده به قربانی ویا فایده حاصل شده توسط کلاهبردار ضروری نیست.

✓- منظور از انتفاع، اس‌تفاده عملی کردن نیست ، بلکه شخص به محض ب‌ردن محیلانۀ مواد خوراکی یا اتومبیل یا پول دیگری کلاهبردار محسوب می‌شود.

✓- صرف غیرقانونی بودن آنچه که قربانی برای دستیابی به آن ، اموالی را به مجرم داده است ، موجب عدم تحقق عنوان کلاهبرداری نیست. مثلاً کسی که گل رس را به جای تریاک به دیگری غالب کرده وپولی می‌گیرد از لحاظ ماهوی مرتکب جرم کلاهبرداری شده است.

✓- رقابت مکارانه کلاهبرداری محسوب نمی‌شود.

✱شروع به جرم کلاهبرداری :

مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست.

حقوق انگلیس در این رابطه می‌گوید اعمال انجام شده باید مجاور جرم تام بوده و تنها یک گام با حصول نتیجه فاصله داشته باشد. تظاهر به بروز آتش سوزی یا سرقت و درخواست پرداخت خسارت از شرکت بیمه یا عرضه اسکناس تقلبی به مردم قبل از دریافت یا وجه معادل آن می‌تواند شروع به کلاهبرداری باشد.

✓- در حقوق انگلیس نیز مثل ایران شروع به ارتکاب جرم ، معادل در حکم شروع به جرم محسوب می‌شود، مگر در موارد عدم امکان قانونی، مثل مداخله در اموال کشف شده ای به تصور اینکه مسروقۀ اند یا برداشتن مال خود به قصد سرقت به تصور اینکه متعلق به غیر است.

گفتار سوم- عنصر روانی:

✓حقوق جزا تا پایان قرن 12 به انسان تنها به عنوان یک ابزار در ایجاد صدمه می‌نگریست و در مجازات کردن او توجهی به سوء نیت و عنصر روانی اش نداشت.

✓- قصد خوردن مال غیر و سوء نیت، رکن مهم بزه کلاهبرداری است.

نخست: اجزاء سوء نیت :

الف- سوء نیت عام : منظور این است که اراده خود آگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه دخیل باشد، و در کلاهبرداری عبارت از قصد استفاده از وسایل متقلبانه است.

✓- عنصر روانی جرم کلاهبرداری، مثل بسیاری از جرایم عمدی دیگر، از نظر حقوقی انگلیس اعم است از قصد و بی تفاوتی.

ب-- سوء نیت خاص : یعنی قصد بردن مال دیگری است. (منظور از قصد بردن مال دیگری قصد بردن مال خاص یا مقدار معینی مال یا شخص معینی نمی‌باشد).

دوم- تفاوت انگیزه و نیت:

✓ نیت، عبارت است از قصد بلاواسطه از ارتکاب عمل مجرمانه، مثل « ازهاق روح در قتل»

✓ انگیزه :هدف مع الواسطه از ارتکاب جرم است، مثل «قصد رهنیدن مقتول از درد و رنج یا قصد خالی کردن جیب او» . انگیزه ارتکاب جرم تأثیری بر مسئولیت کیفری مرتکب ندارد.

مبحث سوم- همکاری در ارتکاب جرم کلاهبرداری :

✓در حقوق ایران ضابطه تشخیص شرکای جرم از معاونین قابل استناد بودن یا نبودن عمل مجرمانه به فعل آنهاست.

الف- شرکت در کلاهبرداری «م 42 ق.م.ا» :

هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید، و جرم مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. ضابطه شرکت در عملیات اجرایی در قانون مجازات عمومی در قوانین بعد از انقلاب به ضابطه «مستند بودن جرم به عمل همه شرکا» تغییر یافته است.

✓ از لحاظ موازین فقهی، تنها آنکس که جرم مستند به فعل او می باشد شریک جرم محسوب می شود.

✓ عنصر مادی شرکت در جرم انجام عملیاتی است که جرم را مستند به عمل شریک سازد.

✓ عنصر روانی شرکت در جرم عبارت است از علم و اطلاع شریک نسبت به ماهیت جرم ارتكابی است.

✓ فریب و نیرنگ اگر پنهانی باشد دسیسه است.

ب- معاونت در کلاهبرداری «م 43 ق.م.ا»

✓ برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم ضروری است .

✓ عنصر مادی معاونت معمولاً فعل مثبت است، مثل : تحریک، ترغیب، تشویق.

✓ سکوت و جلوگیری نکردن از وقوع جرم معاونت نیست.

معاونت در جرایمی که خود آنها به اصطلاح، «مادی صرف بوده و بدون احراز عنصر روانی است» نیاز به عنصر روانی دارد .

✓ برای معاون شناختن کسی در جرم سرقت، آگاهی او از ارزش اموال مسروقه ضرورت ندارد.

✓ در حقوق سابق ایران «مجازات معاونت در جنحه یا جنایت» مجازات مباشرت در ارتکاب آن بود.

✓ تفاوت بین دو نوع کلاهبرداری ساده و مشدد، تنها در شیوه ارتکاب جرم است و عنصر مادی و معنوی ، هر دو یکی است .

✓ عنصر روانی معاونت در کلاهبرداری عبارت از قصد کمک به مباشر در استفاده از وسیله متقلبانه و بردن مال دیگری است.

✓ شرط ضروری برای مجازات معاون، ارتکاب جرم توسط مباشر است.

✓ رهبری شبکه های مجرمانه برای کلاهبرداری، حبس از 15 پانزده سال تا ابد. اگر مصداق مفسد فی الارض باشد مجازات مفسد فی الارض خواهد بود. .

مبحث چهارم - تعدد یا تکرار جرم کلاهبرداری :

✓ در مواد 46 تا 48 ق م ا، میزان تشدید در حالت تکرار یا تعدد جرم معلوم نیست .

اگر به وسیله جعل یک سند کلاهبرداری نیز واقع شود، تحقق این نتیجه منافی جنبه جزایی جعل نیست بلکه مورد از موارد تعدد جرم است.

✓ تعدد وسایل متقلبانه ای که مورداستفاده کلاهبردار قرار می گیرد ، لزوماً به معنی تعدد جرم کلاهبرداری نیست.

مبحث پنجم ← مجازات جرم کلاهبرداری:

الف) مجازاتهای اصلی:

* کلاهبرداری های ساده : یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل آن است.

* کلاهبرداری های مشدد: دو تا ده سال، انفصال ابد از خدمات دولتی.

✓ قانون گذار تخفیف مجازات حبس را به کمتر از یک سال در کلاهبرداری ساده و دو سال در کلاهبرداری مشدد و یا تبدیل آنرا به مجازات دیگر جایز ندانسته است.

✓ در شروع به کلاهبرداری تنها حکم به حبس و انفصال داده می شود.

نک- دیوان عالی کشور محکوم کردن متهمان را به طور تضامنی به پرداخت جزای نقدی معادل مبلغ مورد کلاهبرداری و به طور تضامنی به رد مال مورد کلاهبرداری را نادرست دانسته است.

ب) مجازاتهای تبعی:

یعنی مجازات هایی که بدون ذکر شدن در حکم دادگاه بر محکوم علیه بار می شوند.

ج- مجازاتهای تکمیلی:

مجازاتهایی هستند که تنها در صورت ذکر شدن در حکم قاضی به محکوم علیه تحمیل می گردد.

* تاریخ انقضای اثر مجازاتها:

1- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، 5 پنج سال پس از اجرای حکم

2- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم

3- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال ، دو سال پس از اجرای حکم .

مبحث ششم ← صور خاص جرم کلاهبرداری:

- ✓ حالتهایی که مجازات کمتری نسبت به کلاهبرداری پیش بینی شده است، مثل: دسیسه و تقلب در کسب و تجارت.

✓ - حالتهایی که مجازات بیشتری نسبت به کلاهبرداری پیش بینی شده است. مثل: تعدی نسبت به دولت.

الف-- ورشکستگی به تقصیر یا تقلب:

✓ ورشکستگی به تقلب ماهیتاً شبیه کلاهبرداری است.

✓ ورشکستگی به تقصیر مثل اقدام تاجر به انجام خریدهایی بالاتر یا فروشهایی نازل تر از قیمت روز، به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی

✓ شباهت کمتری با کلاهبرداری دارد.

* مجازات این جرایم:

ورشکستگی به تقلب: در سال 62 حبس از سه تا پنج سال. در سال 75 حبس از یک تا پنج سال م 670 .

ورشکسته به تقصیر : در سال 62 سه ماه تا دو سال – در سال 75 شش ماه تا دو سال م. 672

2- تعدی نسبت به دولت : حبس از شش ماه تا پنج سال و جبران خسارت وارده.

3- دسیسه و تقلب در کسب و تجارت :

✓ ماهیتاً فرقی با کلاهبرداری ندارد، در تعزیرات سابق 74 ضرب شلاق.

✓ – در سال 75 قانون فوق حذف و برای آن، باید به قانون عام کلاهبرداری استناد کرد.

4- تبانی و مواضعه بیای بردن مال غیر:

✓ صرف اقاله دعوی بدون توجه به نتیجه حاصله از آن کلاهبرداری محسوب و مجرمین به مجازات مقرر محکوم می شوند.

✓ – تبانی و مواضعه برای بردن مال غیر در حکم کلاهبرداری است.

5- انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی : م «ا. قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب 1308»

✓ این مورد نیز کلاهبرداری است.

* - آنچه که این گونه انتقال ها را از معاملات فضولی صرف متمایز می گرداند سوء نیت انتقال دهندگان و ایراد ضرر به غیر است که ممکن است در همه معاملات فضولی نباشد.

* - بنا به تصریح ماده قانونی، انتقال مال اعم است از انتقال عین یا منفعت

* اموال غیر منقول را نیز مشمول آن می دانند. 4

* - با توجه به آرای دیوان، شمول ماده به شرکایی که مال مشاع را به دیگری منتقل می کنند محتمل به نظر می رسد.

✓ - انتقال مال غیر غیر قابل گذشت است.

* عناصر این جرم:

1- عمل مادی فیزیکی : معرفی مال که توسط محکوم علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیل صورت می گیرد.

2- عنصر روانی این جرم : عبارت است از آگاهی معرفی کننده نسبت به عدم تعلق مال به وی.

7- تبانی در معاملات دولتی: مجازات آن، حبس جنحه ای از یک تا سه سال و انفصال ابد از خدمت دولت.

8- کلاهبرداری در امور ثبتی. شامل:

نخست-- تقاضای ثبت ملک متعلق به دیگری، جنبه خصوصی دارد.

به نظر دیوان عالی، موردی که ملک به طور اشاعه بین متقاضی ثبت و دیگری بوده و او به نام خود تمام آن را مورد تقاضا داده باشد نیز کلاهبرداری است.

دوم-- امتناع از رد حق به صاحب آن (م 116 ق ثبت اسناد و املاک)

سوم-- انجام معامله معارض «شبیه به کلاهبرداری است».

9- کلاهبرداری در شرکت ها:

کلاهبرداری در شرکت های سهامی، به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم می شوند.

کلاهبرداری در شرکت های مختلط سهامی، مجازات کلاهبردار را دارد –

کلاهبرداری در شرکت های با مسئولیت محدود، مجازات کلاهبردار را دارد.

10- تحصیل متقلبانه تصدیق انحصار وراثت م9. قانون تصدیق انحصار وراثت

11- جعل عنوان نمایندگی بیمه : مجازات کلاهبرداری را دارد.

12- سوء استفاده از ارز دریافتی از دولت کلاهبردار است.

فصل دوم-خیانت در امانت

مبحث اول کلیات:

از نظر برخی ،خیانت در امانت در مرتبه ای بالاتر از سرقت قرار دارد.

نخست-تاریخچه خیانت در امانت :

✓در روم ،عنوان عام فورتوم برای کلیه جرایم علیه اموال به کار برده می شد.

✓در حقوق انگلیس جرم مستقلی تحت عنوان خیانت در امانت نیست، سرقت است.

✓در فقه اسلام، پیامبر (ص) دو خصلت دروغگویی و خیانت را از مؤمن دور دانسته است،

✓حضرت علی (ع) در نهج البلاغه کسانی را که اهل امانت نیستند ناکام دانسته است، برای خیانت در امانت در اسلام حدی مشخص نشده است.

*جرم خیانت در امانت در ق.م.ع 1304 (مجازات این جرم از شش ماه تا سه سال حبس و غرامت از 50 الی 500 تومان بود) ، این ماده اساساً شامل مال غیر منقول نمی باشد.

✓ صور خاص خیانت :«ماده 239» ق.م.ع.

1- سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص غیر رشید . 2-«م240» سوء استفاده از سفید مُهر.

*جرم خیانت در امانت در قانون م.ا بخش تعزیرات 1362 :

✓ ماده 117 و 118 و 119 به ترتیب جایگزین مواد 239 ، 240 و 241 شدند.

✓ در ماده 119 ق.م.ا « 74 ضربه شلاق » جرم عام خیانت در امانت بود.

*قانون مجازات اسلامی 1375:

✓ در این قانون ، م 674 به جرم عام خیانت در امانت اختصاص یافت –

✓م 673 سوء استفاده از سفید مهر و م596 به جرم سوء استفاده از ضعف نفس اختصاص یافت..

* عقود امانت آور«اجاره ، امانت، رهن، وکالت»

✓دیوان عدالت اداری نیز بر عدم ضرورت انعقاد یک عقد امانت عنوان مبنای جرم خیانت در امانت تأکید کرده است.

✓ قانون گذار در ماده 674 هر کلو با اجرت یا بی اجرت را مبنای تحقق جرم خیانت در امانت دانسته است.

*مقایسه جرم خیانت در امانت و کلاهبرداری:

1 تشابهات : در هر دو مورد قربانی از روی اراده و اختیار مالش را در اختیار مجرم قرار می دهد.

2- تفاوت: ✓ کلاهبرداری، برخلاف خیانت در امانت مشتمل بر اغفال و فریب قربانیست. ✓ - جرم کلاهبرداری به محض اخذ مال از سوی کلاهبردار ارتکاب می‌یابد. ✓ - در خیانت در امانت معمولاً اعمالی که مجرم پس از اخذ مال بر روی آن انجام می‌دهد موجب تحقق جرم می‌گردد. ✓ - در کلاهبرداری انتفاع شرط است، برخلاف خیانت در امانت. *

* تعریف جرم خیانت در امانت: استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توأم با سوء نیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به امین سپرده شده و بنا به مصرف معین یا استرداد آن بوده است.

مبحث دوم: عناصر متشکله جرم خیانت در امانت:

گفتار اول: عنصر قانونی-

✓ عنصر قانونی این جرم را م 674 ق.م.ا، تشکیل می‌دهد.

✓ این عنصر زیربنای دو عنصر روانی و مادی است.

گفتار دوم: عنصر مادی

الف) رفتار مادی فیزیکی:

1- استعمال نمودن «مصرف کردن» با سوء نیت، مال دیگری.

✓ هر نوع استعمال ناروا، استعمال با بقای عین نیز ممکن است.

2- تصاحب، می‌تواند از افعال یا ترک افعالی نظیر فروختن، گرو گذاشتن یا عدم استرداد، مشخص شود «مال دیگری را از آن خود انگاشتن»

✓ اگر این فعل یا ترک فعل کاشف از تصاحب نباشد خیانت در امانت نیست.

✓ اگر کسی مالی را از دیگری بگیرد که پس از رفع احتیاج رد کند گرو گذاشتن آن خیانت است.

3- اتلاف:

✓ به تسبیب یا بالامباشره ✓ - فعل یا ترک فعل: اعم است از اتلاف جزء، کل، اوصاف.

4- مفقود نمودن: به تعدی و تفریط، تفریط بدون سوء نیت فقط ضمان مدنی دارد.

* جرم خیانت در امانت از جرایم آنی است.

* مبدأ مرور زمان جرم خیانت در امانت تاریخ مطالبه شاکی و انکار متهم است.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق این جرم:

1- موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد، منظور از وسیله مثل چک، سفته و برات است.

2- سپرده شدن مال به امین، به یکی از طرق قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رسانیدن است.

✓ - اگر خود فرد مالی را بدست آورد خیانت در امانت نیست. مثل مال گمشده 2

✓ - ولی قهری و وصی را نمی‌توان خائن محسوب نمود.

✓ - حتماً نباید عین مال باشد. وجه مال نیز کفایت می‌کند،

✓ - کسی که نسبت به مال امین باشد، نسبت به فواید آن نیز امین است.

✓ - سپرده شدن عین اموال بصورت مستقیم ضرورتی ندارد.

✓ - شرط استرداد مال سپرده شده در عقود تملیکی مانند قرض محقق نمی‌شود.

*فرق قرض و امانت :

در انعقاد قرض آنچه ابتدائاً مدنظر است منفعت قرض گیرنده می باشد، در امانت خلاف قاعده ، امانت دهنده به خاطر رسیدن به منافع خود پولش را به بانک یا مؤسسات مشابه می سپارد.

3- تعلق مال به غیر :

✓ رأی دیوان عالی : با احراز شریک بودن متهم در مال موضوع تصرف غیرقانونی، عمل ارتكابی او مشمول ماده 241 ق.م.ا می شود .

✓ رأی دیگر : اینکه متهم به عنوان شریک ملک مشاع در زمین مورد شکایت کلاهبردار محسوب نمی شود.

* نظرات درباره ملک مشاع : گروهی از دید شخص مرتکب نگریسته و با توجه به شریک بودن او در جزء جزء مال مشاع ارتكاب جرایم علیه اموال را از او منتفی کرده اند، استدلال آنها تعلق مال به غیر است و از نظر حقوقی این نظر مفید است.

* بعضی نیز از دید قربانی یعنی شریک یا شرکای دیگر به موضوع نگریسته و صرف عدم تعلق مال به مرتکب را موجب تحقق جرایم علیه اموال دانسته اند، این نظر با انصاف و عدالت سازگار است.

(ج) نتیجه حاصله :

خیانت در امانت نیز مثل کلاهبرداری از زمره جرایم مقید است.

- 1- ورود ضرر از نظر حقوق جزا لزوماً به معنی آن نیست که از دیدگاه بازاری و عرفی نیز ضرری متوجه شخص شده .
 - 2- صرف ورود ضرر به مالک مال ، موجب تحقق جرم خیانت در امانت توسط امین خواهد شد، هرچند که ضرری به شخصی که مال را به امین سپرده است وارد نشده باشد.
- نک-شروع به جرم خیانت در امانت، جرم محسوب نمی شود و تنها زمانی که خود، تشکیل جرم مستقلی را می دهد ، جرم است، برخلاف کلاهبرداری و سرقت.

گفتار سوم - عنصر روانی جرم خیانت در امانت:

- 1- سوء نیت عام : عمد در ارتكاب عمل فیزیکی «تصاحب، تلف، مفقود، استعمال»
 - 2- سوء نیت خاص : ایراد ضرر به مالک یا متصرف مال است.
- * بحث تقاص در فقه همان خودیاری در حقوق است.
- * حق العمل کار در مقابل آمر برای مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت.

* حکومت می تواند برای جلوگیری از برهم خوردن نظم عمومی تقاص را مجاز نداند.

* در جرم خیانت در امانت قصد مرتکب نیز لازم است.

مبحث سوم ← مجازات جرم خیانت در امانت:

الف) مجازات اصلی : در ماده «119 ق م ع 1362.» مجازات این جرم، 74 ضربه شلاق بود.

✓ در ماده «674 ق.م.ا 1375» 6 ماه تا سه سال حبس -

* امیرالمؤمنین (ع) برای سه کس دستور حبس داده اند 1- غاصب 2- خورنده مال یتیم 3- نابود کننده امانت.

ب) مجازاتهای تبعی ← همان مجازاتهای ذکر شده در بحث کلاهبرداری است.

مبحث چهارم : صور خاص جرم خیانت در امانت:

الف- سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص در قانون سال 1362:

✱ عنصر مادی این جرم:

1- عمل مادی فیزیکی این جرم: عبارت است از اخذ نوشته یا سند

2- شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق این جرم : در صورت غیررشد نبودن قربانی این جرم تحقق نمی پذیرفت، این جرم تنها در صورتی تحقق می پذیرفت که اخذ نوشته یا سند یا سوء استفاده از ضعف نفس یا هوی و هوس یا حواشیج شخص غیررشد صورت می گرفت.

3- نتیجه حاصله : برای تحقق این جرم لازم بود که نوشته یا سند مأخوذ موجب التزام شخص غیررشد شود و ضرر بالقوه کفایت می کرد.

✱ عنصر روانی این جرم :

1- سوء نیت عام: به معنی عمد در ارتکاب عمل فیزیکی یعنی عمد در اخذ نوشته یا سند از شخص غیررشد

2- سوء نیت خاص : به معنی قصد نیل به نتیجه ، یعنی قصد ایجاد التزام برای شخص غیررشد.

✓ در قانون سال 1362 عدم آگاهی اخذ کننده از غیر رشد بودن کسی که نوشته یا سند را می داد نیز موجب تزلزل عنصر روانی می گردید.

ب- سوء استفاده از سفید مهر در قانون 1362:

✓ مجازات آن سال 1362 در، 74 ضربه شلاق بود- در حقوق فرانسه تحت عنوان کلاهبرداری و در انگلیس تحت عنوان جعل است.

✱ عنصر مادی این جرم:

1- عمل مادی فیزیکی : انجام فعل مثبت به شکل نوشتن مطلب تعهدآور بر روی سفید امضاء

2- شرایط و اوضاع و احوال :

مهمترین شرط سپرده شدن سفید امضاء یا سفید مهر به شخص بود که آنرا مورد سوء استفاده قرار می دهد.

3- نتیجه حاصله : باید موجب ورود خسارت بر صاحب امضاء یا مهر شود.

✓ - ورود خسارت به صاحب امضاء یا مهر باید مستقیماً ناشی از نوشتن مطالب تعهدآور بر روی سفید امضاء یا سفید مهر می بوده و نه ناشی از ننوشتن آنچه که گیرنده باید بر روی آن می نوشته است.

✱ عنصر روانی این جرم:

1- سوء نیت عام: عمد در نوشتن مطالب تعهدآور بر روی سفید امضاء یا سفید مهر

2- سوء نیت خاص: قصد نیل به نتیجه یعنی قصد ایراد خسارت به صاحب امضاء.

نک- در سال 1375 ماده 673 جایگزین شد، این ماده علاوه بر تغییرات میزان مجازات این جرم تفکیک بین حالتی که

سفید امضاء یا سفید مهر به فرد سپرده شده و حالتی که خود وی به آن دست یافته است را از میان برداشت و با هر دو برخورد مشابهی کرده است.

ج- خیانت مستخدمین دولت در اموال و اسناد دولتی :

✓ عنصر قانونی این جرم، ماده 5 ق تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و ... است.

* یکی از فروض جرم خیانت در امانت جرم اختلاس است که در لغت به معنی ربودن جدا کردن و برداشتن چیزی است از روی دیگری است،

✓ برای تحقق این جرم لازم است

1- مرتکب از کارمندان و کارکنان مؤسسات مذکور «اعم از رسمی، قراردادی، پیمانی» باشد.

2- مرتکب باید در اموال دولت یا اموالی که متعلق به اشخاص خصوصی ولی در اختیار دولت است خیانت کند.

3- اموال مذکور باید برحسب وظیفه در اختیار مأمور قرار گرفته باشد.

4- اختلاس شامل اموال غیرمنقول نمی شود و منصرف به اموال منقول است.

5- مرتکب باید اموال مذکور را به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید.

نک- صرف استفاده غیر مجاز از اموال، بدون قصد تملک آنها به نفع خود یا دیگری را نمی توان مشمول ماده 5 دانست.

6- مرتکب باید در برداشت اموال و وجوه دولتی عامد باشد.

* مجازات جرم اختلاس بستگی به ارزش مال اختلاس شده دارد:

✓ میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد مرتکب به دو تا ده سال حبس و انفصال دایم محکوم می شود.

نک- هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام مال اختلاس شده را برگرداند مجازات حبس او معلق، ولی حکم انفصال در باره او اجرا می شود.

نک- حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعته واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مذکور باشد.

نک- مناط در قیمت مال اختلاس شده ارزش معمولی هر بلد است نه قیمتی که دولت برای خرید آن معین کرده است.

✓ - رهبری شبکه اختلاس: انفصال دائم از خدمت، حبس از پانزده سال تا ابد است، حداقل اعضاء سه نفر است.

✓ - در اختلاس گروهی کارمند بودن همه اعضاء شرط نیست.

✓ - مجازات اختلاس مدیر کل و بالاتر: انفصال دایم و مراتب پایین تر شش ماه تا دو سال حبس است.

د- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون تجارت :

سوء استفاده دلال، حق العمل کار یا مدیر تصفیه موجب خیانت در امانت است.

ه- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون تصدیق انحصار وراثت ← ماده 6 قانون تصدیق انحصار وراثت

و- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون ثبت اسناد و املاک :

عنصر اصلی در تحقق این جرم تبانی اشخاص مسنول با متقاضی ثبت.

فصل سوم : سرقت

مبحث اول : کلیات :

این جرم به دلیل سهلتر بودن ارتکاب آن و محسوس بودن منفعت حاصله از آن بخش اعظمی از جرایم ارتكابی است.

گفتار اول - عنصر قانونی :

1- سرقت‌های مستوجب حد «ماده 197»

2- سرقت‌های خاص

3- سرقت‌هایی که فاقد شرایط اجرای حد باشند ولی موجب اخلاف در نظم یا خوف شده و یا بی م تجری مرتكب یا دیگران

برود» ماده 203 ق.م.ا»

4- سرقت‌های ساده مستوجب تعزیر «موضوع ماده 661 ق.م.ا»

* تعریف جرم سرقت : سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی . ربودن ← رکن رکن سرقت در حقوق

ایران ربایش است.

گفتار دوم: عنصر مادی سرقت ،

الف- ربایش: ایران ربایش، در انگلیس ← تصاحب یا از آن خود کردن مال متعلق به غیر است ✓.

- در حقوق ایران صرف رضایت ظاهری مالک مال در دادن مال خود به دیگری موجب عدم تحقق عنصر ربایش نمی شود.

ب- مال : رواج داشتن کالا در بازار بین مردم یعنی متقدم بودن آن به طور مطلق، شرط مالیت داشتن آن است.

✓ - در حقوق انگلیس برخلاف حقوق ایران عین مال قابل دزدیده شدن می باشد و منافع نیز چنین است.

✓ - حق حبس یا منفعت یا طلب قابل دزدیده شدن نمی باشد.

1- ربایش برق ، سرقت است و کالا محسوب می شود، دادگاه های انگلیس آن را مال محسوب نکرده اند.

2- ربایش آب ، کالا محسوب و سرقت است

3- ربایش گاز : (ماده 660 ق.م.ا)، سه سال حبس در انگلیس نیز چنین است.

4- ربایش انسان : به نظر فقها انسان آزاد مال نبوده و ربودن او سرقت نیست.

* مجازات ربایندگان انسان :

نظر اول : رباینده انسان آزاد اعم از صغیر یا کبیر و ... بنا به نظر قاضی است.

✓ - نظر دوم : چنین رباینده ای باید به عنوان سارق مجازات قطع ید را تحمل کند.

✓ - نظر سوم : مجازات آدم ربایی قطع به عنوان افساد فی الارض می باشد پذیرفته شده است. «شیخ طوسی»

✓ - جسد انسان می تواند مال محسوب شود و شاید عنوان دزدی صدق کند.

* - دندان طلای مصنوعی مال و متعلق به ورثه محسوب می شود و برداشتن آن از جسد ممکن است موجب تحقق سرقت

شود.

✓ - در حقوق انگلیس ← بدن یا بخشی از اعضای آن قابل تملک و در نتیجه سرقت محسوب نمی شود.

5- مواد خوراکی و سریع الفساد : ابوحنیفه سرقت آنها را مستوجب حد نمی داند، قانون ایران نیز نپذیرفته است.

ج- تعلق به غیر «ملک غیربودن» :

✓ حقیقی یا حقوقی ، ربایش اموال بلاصاحب که در مالکیت کسی قرار ندارد سرقت نیست،

✓ در حقوق ایران برخلاف انگلیس منظور از تعلق مال به غیر، تعلق عین آن به دیگری است،

✓ حق حبس بایع بر مبیع نیز از نظر حقوق ایران برخلاف انگلیس مال قابل سرقت تلقی نمی شود.

* قصد مجرمانه در سرقت:

علم و آگاهی بزهکار بر ربودن مال دیگری برخلاف میل و رضایت مالک و به قصد تصاحب و تملک آن مال.

* - مداخله احد شرکاء در مال مشترک « خیانت در امانت و سرقت محسوب نمی شود».

* - در حقوق انگلیس شریک هم در صورت تصاحب مال مشترک به ارتکاب سرقت محکوم می شود.

د- بطور پنهانی :

* تفاسیر عبارت به طور پنهانی :

✓ نظر اول : منظور از عبارت به طور پنهانی در ماده 197 به عنوان یک جرم عام برای سرقت بدون آگاهی و رضایت صاحب مال است.

✓ نظر دوم : قید پنهانی به همان معنای مخفیانه برای سرقتهای مستوجب حد می باشد.

سؤال : منظور از مخفیانه یا دور از چشم بودن عمل سرقت چیست؟ منظور توسل سارق به پنهانکاری است ، یعنی سعی در جهت پنهان ماندن عمل ربایش است نه پنهان ماندن هویت سارق.

✓ - حمله مسلحانه سارق را در هنگام روز به یک بانک را نمی توان مخفیانه و پنهانی تلقی کرد.

مبحث دوم : شرایط سرقت مستوجب حد:

✓ قانون حدود و قصاص شرایط مستوجب حد را تحت عنوان سه عنوان بررسی کرده بود.

شرایط مربوط به سارق، شرایط مربوط به مال مسروق، شرایط مربوط به عمل سرقت.

نک : عدم مسئولیت کیفری اطفال در حقوق قدیم پذیرفته نشده بود.

نک- در روایات بار تکلیف از سه گروه برداشته شده است.

1- کودک تا زمانی که به سن بلوغ نرسد. 2- مجنون 3- شخص خواب تا زمانی که بیدار شود.

نک- در سرقت، انسان به عنوان عامل سرقت است و فقط اشخاص حقیقی می توانند مرتکب سرقت شوند.

* - در حقوق انگلیس اطفال زیر 18 سال از لحاظ کیفری به سه گروه سنی تقسیم می شوند:

1- اطفال زیر ده سال ← فاقد هر گونه مسئولیت کیفری اند.

2- اطفال بین ده تا 14 سال ← در صورت اثبات داشتن عنصر مادی و معنوی مسئولیت دارند.

3- اشخاص بین 14 تا 18 سال ← درست مثل بزرگسالان مجازات می شوند.

* - م 51 ق.م.ا جنون در حال ارتکاب جرم را به هر درجه ای که باشد موجب عدم مسئولیت کیفری دانسته است.

✓ - جنون بعد از صدور حکم چه در جرایم مشمول حد و چه در جرایم تعزیری مسقط مجازات نیست.

✓ - وجود اکراه در سرقت نه تنها باعث سقوط حد بلکه باعث زوال مسئولیت کیفری شخص مرتکب به طور کلی می شود.

✓ - در حقوق اسلامی برخلاف کامن لای قدیم ، تنها تهدیدات علیه خود شخص را به رسمیت نشناخته است بلکه تهدیدات

علیه دیگران نیز می تواند در صورت وجود شرایط منشأ دفاع اکراه قرار گیرد و همچنین تهدیدات مالی را.

✓ - اجبار به کلی اراده مرتکب را سلب می کند . در اکراه شخص مورد تهدید از روی اراده مرتکب جرم می شود و در هر

دو مسئولیت کیفری ساقط می شود «اجبار و اکراه»

✓ - در سرقت اگر سارق نداند و ملتفت نباشد که مال غیر است در واقع نوعی جهل موضوعی دارد و حتی مستوجب تعزیر هم نیست.

✓ - در حقوق انگلیس بی تفاوتی یا سهل انگاری نیز علاوه بر نیت می تواند عنصر روانی جرم سرقت را تشکیل دهد.

✓ - اگر سارق نداند و ملتفت نباشد که ربودن مال حرام است ، نوعی جهل حکمی باعث سقوط حد می شود و در موارد خاصی قابل قبول است.

✓ - فقط جهل تقصیری را رافع مسئولیت کیفری نمی دانند.

✓ - پذیرش ادعای جهل به قانون در صورتی است که :

1- مدعی جهل بتواند ادعای خود را ثابت کند .

2- عمل ارتكابی وی خلاف بین اصول اخلاقی نباشد.

3- وی در جهل خود قصوری نداشته باشد.

✓ - در امور مدنی ، ادعای جهل به قانون پذیرفته نیست.

✓ - مکتب ظاهری ← اجرای حد علیه سارق را منوط به در حزر قرار داشتن مال مسروقه نکرده اند.

✓ - هتک حرز لازم نیست حتماً به قصد سرقت انجام شود.

✓ - به نظر نگارنده هتک حرز غیر عمدی هم ممکن است، هتک حرز اعم از مادی و غیر مادی است.

✓ - ملاک قیمت مال مسروق برای اجرای حد، قیمت مال در بازار است نه قیمت دولتی آن.

✓ - شرط حد نصاب برای حد، باید در زمان اخراج مال از حرز وجود داشته باشد.

✓ - صرف تعدد اموال حاصل از سرقت به معنی ارتكاب چند سرقت نیست.

✓ - شرط 9 برای سرقت حدی: به حد نصاب رسیدن مال مسروقه است (4/5 نخود طلای مسکوک):

1- زمان تعیین ارزش مال مسروقه ← از نظر ابوحنیفه زمان صدور حکم است، از نظر قانون زمان سرقت است.

2- مشارکت دو یا چند نفر در سرقت ← به نظر محقق حلی و شیخ طوسی : سهم هر یک از سارقین باید به حد نصاب برسد تا حد اجرا شود.

نک- شیخ مفید و سید مرتضی می گویند : باید ارزش کل اموال به حد نصاب برسد « این نظر قوی تر است»

3- سرقت اسناد دارای ارزش اعتباری ← ارزش چک و نظایر آن ذاتی نمی باشد . و به همین دلیل نحوه برخورد مردم با اینگونه اسناد بستگی به میزان اعتبار صادر کننده آن دارد و مستوجب تعزیر نیستند.

✓ - ارزش واقعی چک پول در زمان ربایش موجود نیست، بلکه هنگام مراجعه به بانک دارای ارزش می شود.

✓ - سرقت چک را می توان با سرقت سونچ اتومبیل یا کلید خانه قیاس کرد.

✓ - سرقت سهام بی نام، شاید در صورت رسیدن به حد نصاب مستوجب حد شود.

* سارق مضطر نباشد-

از نظر اسلام : اضطرار موجب مسئولیت مرتکب نیست ولی دیه لازم است، در بسیاری از نظامهای حقوقی دنیا اضطرار مجوز قتل عمد نیست.

بوی مسموع بودن دفاع اضطرار وجود تناسب بین جرم ارتكابی از یک سو و ضرری که در صورت عدم ارتكاب جرم حاصل خواهد شد ضروری است.

* سارق پدر صاحب مال نباشد، البته جد پدری نیز این حق را دارد.

✓ مادر چنین حقی ندارد.

✓ - در مورد سرقت خویشاوندان این حق ساقط نمی شود و در رابطه با ازدواج حکم خاصی وجود ندارد.

✓ - مطابق قانون و نظر فقها سرقت هر چیزی در دوران قحطی موجب سقوط حد است چه خوراکی و چه غیر خوراکی.

✓ - موجری که با هتک عین مستأجره اموال متعلق به مستأجر می تواند مستوجب حد شود.

✓ - در حقوق انگلیس شرط تحقق جرم محروم کردن دائمی مالک یا متصرف مال بنا به نص قانون است.

✓ - محروم شدن دائمی مالک از مال شرط تحقق جرم سرقت نمی باشد بلکه آنچه که مهم است قصد ربایندگی دایر بر محروم کردن دایمی وی از مال می باشد.

✓ - به نظر نگارنده نمونه بارز ربایشی که سرقت محسوب نمی شود ربودن مال دیگری به قصد استفاده موقت است.

✓ - تناسب حرز را با مال عرف تعیین می کند. سرقت از مال موقوفه مستوجب حد نیست.

✓ - شیخ طوسی حرز را جایی دانسته است که ورود به آن برای کسی غیر از متصرف بدون اذن وی ممکن نباشد.

✓ - قانون مدنی ایران حرز را محل نگهداری مال دانسته است.

✓ - قانون ما حرز را به وسیله نگاه کردن محقق نمی داند، قانون ما تنها حرز مکانی را پذیرفته است نه حرز یا نگهبانی.

✓ - تلف کردن یا خوردن مال در حرز را نمی توان سرقت مستوجب حد دانست.

✓ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود.

✓ - مراحل سرقت مستوجب حد: وضع ید بر مال، نقل مکان دادن آن، اخراج مال از حرز، اخراج مال از تحت سلطه مالک.

✓ - تصاحب مال گمشده اگر توأم با سوء نیت باشد سرقت.

✓ - هرگاه سارق پس از سرقت مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب حد نمی شود، موجب تعزیر می شود.

✓ - رضایت مالک در پس گرفتن مال مسروقه و یا اختیاری بودن استرداد مال توسط سارق شرط معافیت از مازات حد

نیست.

مبحث سوم : راههای ثبوت سرقت :

✓ - ماده 199 ق.م.ا. شهادت دو مرد عادل، دو مرتبه اقرار خود فرد.

✓ حکم به قطع ید با یکبار اقرار خلاف موازین شرع است. تنها موردی که در قوانین کیفری ما انکار پس از اقرار پذیرفته شده است « اقرار به زنا » است.

✓ هم در امور مدنی و هم در امور کیفری انکار بعد از اقرار مسموع نیست . اکثریت فقهای اهل سنت قائل به عدم حجیت علم قاضی به طور مطلق شده اند.

✓ از نظر اکثریت فقهای شیعه قاضی می تواند در جمیع حقوق و حدود اعم از حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند .
* ماده 105 ق.م.ا به طور کلی حاکم شرع را مجاز به عمل کردن به علم خود در حق الله و حق الناس و اجرای حد کرده است.

مبحث چهارم : شرایط اجرای حد سرقت «م 200 ق.م.ا» :

- 1- صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند.
- 2- صاحب مال پیش از شکایت ، سارق را نپخشیده باشد،
- ✓ حد سرقت تا قبل از شکایت مالباخته حق الناس بود ولی پس از شکایت حق الله می شود.
- 3- صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق بخشیده باشد «استرداد مال مسروق موجب سقوط حد می شود»
- 4- مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق درنیاید.
- بخشیده شدن مال باید قبل از شکایت انجام گیرد، تملیک مال توسط سارق باید قبل از ثبوت جرم صورت گیرد.
- 5- سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد.
- ✓ پذیرش توبه به عنوان مسقط مجازات با نظرات مکتب دفاع اجتماعی هماهنگی دارد.
- ✓ - به نظر شیخ طوسی : توبه بعد از ثبوت جرم و قبل از اجرای مجازات در صورتی که جرم به وسیله اقرار ثابت شده باشد، مسقط مجازات است.
- ✓ - حد سرقت پس از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست.

مبحث پنجم : حد سرقت:

- ✓ حد در لغت به معنی منع است.
- ✓ در اصطلاح حقوق اسلامی حد عبارت است از عقوبتی که صراحتاً در نصوص شرعی برای برخی جرایم تعیین شده است.
- * حد سرقت در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است . مرتبه دوم ، قطع پای چپ سارق ا پایین بر امدگی ، به نحوی که نصف بدن و مقداری از محل مسح او باقی ماند . در مرتبه سوم ، حبس ابد و در مرتبه چهارم اعدام ، ولو سرقت در زندان باشد.
- ✓ - از نظر قانون ایران هر گاه سارق فاقد انگشت دست راست باشد حد به تعزیر تبدیل می شود.
- ✓ در قانون ایران اجرای مجازات علیه سارق رافع مسئولیت مدنی وی دایر بر بازگرداندن مال مسروق به مالک نمی باشد.
- ✓ تعیین ضرر و زیان ناشی از جرم و صدور حکم به پرداخت آن مستلزم تقدیم دادخواست است.
- ✓ اگر شاکی عین، مثل یا قیمت مال مسروقه را بخواهد نیازی به تقدیم دادخواست ضرر و زیان ندارد.
- ✓ به نظر ابوحنیفه و ابوسیف در صورت موجود بودن عین مال مسروق سارق موظف به استرداد است و اگر موجود نباشد سارق ضمانی ندارد.

✓ به نظر شافعی سارق پس از تحمل حد در هر صورت ضامن است.

مبحث ششم: تکرار یا تعدد سرقت «م. 201 ق.م.ا» :

* در سرقت‌های تعزیری در صورت تکرار جرم سرقت ، توسط سارقی که سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد، دادگاه نمی تواند در تعیین مجازات از جهات مخففه استفاده کند.

مبحث هفتم : سرقت‌های متفرقه :

(الف) سرقت‌های خاص :

1- سرقت مقرون به آزاد یا بطور مسلحانه : م 651 ق.م.ا.

✓ این جرم می تواند با سلاح قلابی نیز باشد.

✓ مجازات آن حبس از سه ماه تا 10 سال و 74 ضربه شلاق.

✓ در تحقق آن شدت آزار شرط نیست. آزار باید در حین سرقت و برای ارتکاب آن صورت گیرد.

✓ کسی که برای پس ندادن مال دیگری از قوه قهریه یا تهدید استفاده می کند از نظر حقوق ایران برخلاف حقوق انگلیس مرتکب سرقت مقرون به آزار نمی گردد.

✓ تهدید در انگلیس باید علیه شخص باشد . تهدید در ایران علیه اموال و ناموس یا آبرو نیز امکان پذیر است.

2- سرقت مسلحانه گروهی در شب :

✓ در صورتی که بر حامل سلاح عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از 5 تا 15 سال و شلاق تا 74 ضربه می باشد.

✓ اسلحه تقلبی مثلاً : اسباب بازی کودکان را در بر نمی گیرد، البته در انگلیس اسلحه تقلبی نیز پذیرفته شده است .

✓ وسایلی مثلاً سنگ و چوب در عرف ما سلاح محسوب نمی شود.

مرجع رسیدگی به این جرم، دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی است.

3- سرقت مقرون به 5 شرط مشدد «م 651 ق.م.ا» :

✓ هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج سال تا 20 بیست سال حبس و تا 74 ضربه شلاق محکوم می شود.

اولا- سرقت در شب واقع شده باشد.

ثانیا- سارق دو نفر یا بیشتر باشد . وجود یک اسلحه نیز مشمول این ماده می شود.

ثالثا- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

رابعا- از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده و ...

خامسا- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.

نک-- ماده 222 ق.م. ع سابق برای این نوع سرقت حبس ابد تعیین کرده بود.

4- سرقت مسلحانه از منازل : در این جرم حداقل یکی از آنان سارقین مسلح باشد.

* شرایط آن ←

اولا- سرقت باید از منزل یا مسکن اشخاص صورت گیرد.

ثانیا- لأقل یکی از سارقین باید حامل سلاح اعم از سرد یا گرم، ظاهر یا مخفی باشد استفاده از سلاح ویا حتی نشاء ن دادن آن به صاحب مال شرط نیست.

ثالثا- سارق یا سارقین در صورت مسلح نبودن نیز ممکن است مشمول ماده قانونی قرار گیرند و آن وقتی است که در موقع سرقت در مقام هتک ناموس برآیند.

✓ موفقیت سارقین در هتک ناموس شرط نیست.

5- سرقت مسلحانه از بانکها، صرافیهها یا جواهرفروشیها :

✓ هر گاه کسی وجه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیاء قیمتی را از منزل دیگری برباید مشمول این ماده نمی شود.

* شرایط آن : سارقین دو یا چند نفر باشند که با اجتماع یا مواضعه قبلی دست به سرقت زنند و حداقل یکی از آنان مسلح به سلاح گرم یا سرد، ظاهر یا مخفی، پریا خالی باشد، اعم از اینکه سلاح را مورد استفاده قرار دهد یا نه.
* میزان مجازات :

✓ هر یک از سارقین در صورت وقوع سرقت «حبس ابد»

✓ هر یک از سارقین در صورت وقوع قتل «اعدام»

✓ هر گاه هیچ یک از دو نتیجه فوق حاصل نشود هر یک ده الی پانزده 15 سال حبس و در صورت نداشتن اراده در انج ام دادن قتل دو یا پنج سال حبس.

6- راهزنی «قطع الطريق» :

* م 185 ق م : سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم زند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.

✓ ویژگی ها:

1- خصوصیت استفاده از اسلحه در حین سرقت 2

- ملازمه ارتکاب سرقت با سلب امنیت در ایجاد رعب و وحشت در جاده ها .

✓ مجازات راهزنی ← قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس قطع پای چپ و نفی بلد در صورت محارب بودن.

✓ مرجع رسیدگی ← به این جرم دادگاه انقلاب است.

* «م 653 ق م ا» مجازات راهزنی که محارب نباشد، سه تا 15 پانزده سال حبس و شلاق تا 74 ضربه.

7- سرقت از موزه ها یا اماکن تاریخی و مذهبی:

هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی و تاریخی را از موزه ها و نمایشگاه ها اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکنی که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا، با علم به مسروقه بودن، اشیای مذکور را بخرد یا پنهان کند، در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد، به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.

8- سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی:

✓ م. 659 ق.ت : حبس از یک تا پنج سال،

✓ اگر مرتکب از کارکنان سازمان مربوطه باشد به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

9- کیف زنی یا جیب بری :

✓ م. 657 ق. تعزیرات ← مجازات یک تا پنج سال حبس و تا 74 ضربه شلاق.

10- سرقت از محل تصادف یا مناطق حادثه زده :

✓ م. 658 ق.ت ← مجازات یک تا پنج سال حبس و تا 74 ضربه شلاق.

11- سرقت مقرون به یکی از شرایط مذکور در قانون :

✓ م. 658 ق.ت: در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا 74 ضربه شلاق محکوم می شود:

اولا- سرقت در محل سکنی یا توابع آن یا در محل عمومی از قبیل مسجد و حمام و ... واقع شده باشد.

ثانیا- سرقت در جایی که به واسطه درخت یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

ثالثا- سرقت در شب واقع شده باشد.

رابعا- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. خامسا- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در

منزل مخدوم یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محل کار وی بوده از قبیل دکان، خانه، کارگاه و کارخانه یا انبار سرقت نموده باشد.

سادسا- هرگاه اداره کنندگان هتل، کاروانسرا، مسافرخانه، کاروان و ... اموالی که در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

12- سرقت یا استفاده غیرمجاز از آب و برق و گاز و تلفن :

✓ م. 660 ق.ت ← علاوه بر جبران خسارت به تحمل تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

13- سرقت اقوام شخص ورشکسته : م. 661 ق.م.ا

14- سرقت نظامیان :

✓ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح «مواد 88 الی 92»

ماده 92 قانون مجازات نیروهای مسلح: هرگاه بزه های ارتكابی موجب اخلال در نظام به هم خوردن امنیت کشور و یا شکست جبهه اسلام گردد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می شود.

*سرقت فاقد شرایط اجرای حد و موجب اخلال در نظم، اگر شاکي نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال است.

* تمام سرقتها واجد حیثیت عمومی هستند.

* وظیفه قاضی در مواجهه با مواد مختلف راجع به جرم سرقت :

دادرس باید ابتدا راجع به این که آیا سرقت ارتكابی مستوجب حد است یا نه بررسی و تحقیق نماید، اگر یک یا چند شرط

از شرایط اجرای حد موجود نباشد نوبت بررسی سرقت های خاص می گردد و در بررسی همین سرقت ها باید به عام یا

خاص بودن یا متقدم و متأخر بودن آنها توجه کرد و قواعد راجع به ناسخ و منسوخ را مجری دانست و سپس نوبت به

سرقت‌های موجب اخلال در نظم می‌رسد و اگر جرم ارتكابی مشمول این سرقت‌ها هم نشد، جرم ارتكابی را با سرقت‌های تعزیری مطابقت می‌دهد.

مبحث هشتم: شروع به سرقت:

✓ در قانون 1362 مجازات آن، تا 74 ضربه شلاق و در قانون 1375 تا 5 سال حبس و تا 74 ضربه شلاق.

* - آیا سرقت و شروع به سرقت یک جرم قابل تعزیر محسوب می‌شوند یا دو جرم؟

هرگاه این دو فعل در دو مورد مختلف ارتكاب یافته باشند تعدد جرم تحقق می‌پذیرد، ولی هرگاه کسی شروع به ارتكاب سرقت کرده و سپس آن را به نتیجه برساند تنها به ارتكاب سرقت محکوم خواهد شد.

مبحث نهم: همکاری در ارتكاب جرم سرقت:

✓ در قانون ایران همکاری در ارتكاب جرم به دو صورت شرکت و معاونت قابل تصور است.

الف) شرکت در جرم سرقت:

✓ در قانون ایران شریک جرم باید جرم مستند به عمل او باشد.

✓ برای تحقق شرکت در سرقت مستوجب حد، شریک باید در هتک حرز نیز شرکت داشته باشد. کلیه افراد شریک در ارتكاب جرم سرقت مجازات فاعل مستقل جرم را خواهند داشت.

ب) معاونت در جرم سرقت:

معاون جرم، وقوع آن را تسهیل می‌کند، بدون اینکه جرم مستند به عمل او باشد. مثلاً کلید صندوق را به سارق دادن یا نقشه ورودی راه‌های بانک را در اختیار سارق قرار دادن و یا سارق را برای ارتكاب سرقت، تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع نمودن و ...

* - مجازات معاون در سرقت حدی، حبس از یک تا سه سال- و در سرقت‌های غیرحدی شش ماه تا سه سال.

نک-م. 664 ق.م.ا: هرکس عالماً عامداً برای ارتكاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید، یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتكاب جرم بسازد یا تهیه کند، به حبس از سه ماه تا یک سال و تا 74 ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

✓ - سرقت و تهیه آلت برای سرقت دو عمل بوده و دو مجازات خواهد داشت.

مبحث دهم: مداخله در اموال مسروق « اخفای اموال مسروق »

✓ - مؤثرترین راه بیوای مبارزه با سرقت، جلوگیری از خرید و فروش اموال مسروقه می‌باشد.

✓ - در انگلیس « حداکثر مجازات سرقت هفت سال و حداکثر مجازات مداخله در اموال مسروق چهارده سال حبس است.

✓ - در ایران « مجازات سرقت سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و تا 74 ضربه شلاق، مجازا مداخله در اموال مسروق شش ماه تا سه سال حبس و تا 74 ضربه شلاق.

* عنصر مادی این جرم:

تحصیل، مخفی یا قبول نمودن و یا مورد معامله قرار دادن مال مسروق می‌باشد.

✓ - در قانون مجازات اسلامی برای خرید مال امانی و اموال ناشی از کلاهبرداری مجازات تعیین نشده است، ولی ذینفع می‌تواند در مورد ابطال معامله انجام شده از طریق محاکم حقوقی اقدام نماید.

✓- در روایتی از پیامبر، کسی که آگاهانه مال ناشی از خیانت را می خرد در حکم شخص خائن دانسته شده است.
✓ برای محکوم کردن کسی به ارتکاب جرم مداخله در اموال مسروقه، احراز عنصر روانی یا سوء نیت وی نیز ضروری است.

✓- در انگلیس عنصر مادی جرم سرقت عبارت است از تصاحب یا از آن خود کردن مال می باشد.
✓- در حقوق انگلیس در مال ناشی از تدلیس، مداخله کننده را نمی توان سارق محسوب کرد.
✓- در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در ماده 662 محکوم می گردد.

✓- به طور کلی شخص را از همان روز اولی که حرفه یا کسب معینی را برای خود اختیار می کند می توان صاحب آن حرفه تلقی کرد، بدون اینکه نیازی به تکرار آن توسط وی باشد.

فصل چهارم : صدور چک پرداخت نشدنی

مبحث اول - مقدمه:

1- صرافان ایرانی از نخستین صادر کنندگان چک در دنیا هستند.

(2) تاریخچه استعمال چک در جهان : در غرب چک برای اولین بار در سال 1374 میلادی در برخی شهرهای ایتالیا «ونیز» معمول بوده و از آنجا به انگلستان، کانادا، آمریکا و فرانسه راه پیدا کرده است.

هدف کنوانسیون های ژنو یکنواخت کردن مقررات راجع به چک در 19 مارس 1931 بوده است.

(3) مختصری از اهمیت چک : چک از اسناد تجاری است-

✓ هدف قانونگذار از پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای چک آن بوده است که چک قائم مقام اسکناس شود و مردم همان اعتباری را که برای اسکناس قائل هستند برای چک نیز قائل شوند.

✓ در کشورهای آمریکا و انگلستان دارنده چک بلامحل تنها می تواند صادر کننده را به عنوان بدهکار در دادگاه های حقوقی مورد تعقیب قرار دهد.

(4) تاریخچه قوانین راجع به چک در ایران:

صادر کننده و کلیه ظهنویسان در مقابل دارنده چک مسئولیت تضامنی دارند.

✓ در سال 1312، نخستین مقررات جزایی در مورد چک بلامحل تحت عنوان ماده 238 مکرر قانون مجازات عمومی به تصویب رسید که مجازات حبس و جزای نقدی برای صادر کننده چک بلامحل پیش بینی شده بود.

✓- در آبان ماه 1331 لایحه قانونی چک مشتمل بر 12 ماده و 5 تبصره به تصویب رسید که چک در حکم سند لازم الاجرا شناخته شد که در صورت عدم پرداخت به اجرای ثبت مراجعه و تقاضای صدور اجراییه برای وصول آن و در صورت عدم پرداخت صادر کننده ظرف ده روز سوء نیت وی محرز و مطابق ماده 238 مکرر ق.م.ا قابل مجازات بود. و این قانون در سال 1333 توسط کمیسیون مشترک مجلسین شورای ملی و سنای سابق ملغی گردید.

✓- مطابق قانون سال 1344 جرم صدور چک بلامحل جرمی کاملاً خصوصی بود و بدون شکایت دارنده آن قابل تعقیب کیفری نبود. پس از تعقیب نیز گذشت شاکی خصوصی، در هر مرحله موجب موقوفی تعقیب یا عدم اجرای مجازات می گشت.

✓- در سال 1355 قانون صدور چک جایگزین قانون سال 1344 شد و معافیهایی پیش بینی شد.

1- در سال 1372 طرح اصلاح موادی از قانون صدور چک و معافیهای مذکور لغو گردید.

5) تعریف چک موضوع حقوق کیفری:

✓ ماده 310 قانون تجارت «چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد می دارد.»

* ایرادات وارده بر ماده 310 قانون تجارت :

✓ چک در مقام دفاع و دعوی قابل استناد است ولی طبق ماده 1284 ق.م چک نوشته ساده نیست بلکه سند است.

✓ واژه محال علیه در ماده 310 ق. تجارت واژه عام است و محال علیه می تواند هر بانک یا مؤسسه تجاری یا صرافی و غیره باشد.

✓ چکی که عهده اینگونه مؤسسات صادر شود از لحاظ قانون تجارت معتبر است ولی مورد حمایت کیفری نیست و در هر حال محال علیه چک کیفری باید یک بانک رسمی باشد و نه حتی صندوق های قرض الحسنه یا مؤسسات اعتباری.

* - تعریف چک از جنبه کیفری « چک سندی است که به موجب آن صادر کننده به بانک محال علیه دستور می دهد تا وجوه موجود وی در آن بانک را کلاً یا بعضاً مسترد داشته و یا به محال له بپردازد.»

* - چک در انگلستان «براتی است که عهده یک بانک صادر شده و عندالمطالبه قابل پرداخت می باشد.»

6- تعریف جرم صدور چک پرداخت نشدنی :

✓ - چک بلامحل در برگیرنده چک هایی است که به دلیل نبودن محل «اعم از نقد یا اعتبار قابل استفاده « غیرقابل پرداخت می باشند.

✓ - منظور از صدور چک پرداخت نشدنی، صدور چک به گونه ای است که بانک، به یکی از ع ل قانونی، از پرداخت وجه آن خودداری نماید. مثل اختلاف در مندرجات یا عدم مطابقت امضاء.

7) ماهیت خصوصی جرم صدور چک پرداخت نشدنی:

✓ - چک بلامحل از زمره جرایم دارای ماهیت خصوصی و به لسان فقهی حق الناس می باشد.

✓ - متهمین به ارتکاب جرم چک بلامحل را می توان غیاباً محاکمه و محکوم کرد.

✓ - قانونگذار صادر کننده چک را نه به دلیل مدیون بودن وی و عدم پرداخت دین بلکه به دلیل اصدار چک پرداخت نشدنی قابل مجازات می داند.

✓ - پرداخت بعدی وجه چک علی الاصول نباید موجب زوال مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرم قبلی باشد، زیرا این کار شبیه به بازگرداندن مال مسروق توسط سارق است که نمی تواند موجب زوال مسئولیت کیفری سارق در قبال سرقت ارتكابی شود.

8) در حکم سند رسمی بودن چک: جعل در چک ، جعل در سند رسمی محسوب نمی شود.

✓ - صدور اجرائیه و وصول وجه چک تنها علیه صادر کننده چک امکان پذیر است نه ظهرونیسان.

✓ - اگر پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای ذیل چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد باشد، در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.

9- راههای مطالبه وجه چک برگشت خورده :

نخست- مراجعه به اجرای ثبت دوم- پی گیری حقوق مدنی سوم- پی گیری کیفری.

*- مراجعه به اجرای ثبت در صورتی ممکن و مفید می باشد که :

نخست- دارنده بتواند هزینه مربوطه را در صندوق اجرای ثبت تودیع نماید.

دوم- امضای روی چک با نمونه امضای موجود در بانک مطابقت داشته و مورد تأیید بانک قرار گرفته باشد.

✓- صدور اجرائیه از طریق مراجع ثبتی مشمول مرور زمان نمی شود.

اجرائیه علیه اموال صادر و فوت صادر کننده چک برای صدور اجرائیه علیه وراث او، برخلاف تعقیب کیفری، مانعی به وجود نمی آورد.

✓- معایب پیگیری حقوقی «مدنی» دارای هزینه، طولانی بودن نسبی دادرسی، فقدان ضمانت اجرا.

✓- برخلاف پی گیری کیفری در پی گیری حقوقی گواهی عدم پرداخت به نام کسی که شاکی پرونده حقوقی است ضرورت ندارد.

✓- پی گیری کیفری به دلیل سریعتر بودن رسیدگی و نداشتن هزینه قابل توجه و برخورداری از ضمانت اجرای سنگین مطلوبتر بوده است.

✓- اعلام جرم علیه صادر کننده چک بی محل مانع درخواست صدور اجرائیه از طریق اداره ثبت نخواهد بود.

✓- هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد، دارنده چک نسبت به باقیمانده حق صدور اجرائیه دارد.

10- انواع چک:

نخست- چک عادی : چکی که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد.

دوم- چک تأیید شده : چکی که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محالّ علیه پرداخت وجه آن تأیید می شود.

سوم- چک تضمین شده - چکی که توسط بانک به عهده هان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.

4- چک مسافرتی - چکی که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

مبحث دوم جهات کیفری چک:

صادر چک بی محل از حساب مسدود، حداکثر مجازات در ماده 7 قانون چک، اعمال خواهد شد، و مجازات غیرقابل تعلیق است.

✓ منظور از جهات کیفری چک پرداخت نشدنی مواردی است که صادر کننده در صورت عدم رعایت آنها قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

✓ - ماده 10 قانون صدور چک «یکی از جهات کیفری چک را صدور چک از حساب مسدود»

* جهات کیفری:

1 - دارا نبودن وجه نقد یا عدم کفایت آن در تاریخ مندرج در چک:

شایعترین جهت کیفری چک در ایران فقدان یا کسری محل است.

✓ - اگر موجودی صاحب حساب کمتر از مبلغ چک باشد تکلیف بانک چیست؟ ! طبق ماده 5 «قانون صدور چک» بانک مکلف است مبلغ موجود را به دارنده چک بپردازد و چک نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهینامه بانک برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

2- کشیدن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده است:

مباشرت مستقیم صادر کننده در اخراج وجه چک ضروری نیست.

3- دستور عدم پرداخت وجه چک به بانک:

✓ در سال 1331 پیش بینی شد.

✓ ماده 14 قانون صدور چک : صادر کننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها، با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده ، می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد، بانک پس از احراز هویت دستور دهنده، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد، و در صورت ارائه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

✓ - ذینفع در این ماده کسی است که چک بنام او صادر یا ظهر نویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده است.

✓ - دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را از مراجع قضایی به بانک تسلیم نماید، که در غیر اینصورت بانک از محل موجودی به تقاضا ی دارنده چک وجه آن را پرداخت می کند.

* کسانی که حق صدور دستور پرداخت وجه چک را به بانک دارند:

✓ در قانون جزایی چک مصوب سال های 1331 و 1337 فقط صادر کننده چک،

✓ در قانون 1344 علاوه بر صادر کننده به دارنده نیز چنین حقی داده شده بود، قانون 1355 صادر کننده، ذینفع ، قائم مقام قانونی آنها.

* موارد قانونی دستور عدم پرداخت :

✓ در مقررات کیفری اولیه تنها در مورد جعل چک پیش بینی شده بود.

✓ در قانون 1344 جعل، مفقود شدن ، سرقت-

✓ در قانون 1355 جعل، مفقود شدن سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تهدید و رباخواری پیش بینی شد.

نک- گم شدن چک های بانکی را نمی توان اعلام کرد و بلامحل بودن آنها معنی ندارد.

نک- پرداخت وجه چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود، مگر آنکه بانک صادر کننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.

✓ دستور عدم پرداخت می تواند به صورت کتبی و علل تصریح شده باشد.

✓ وظیفه دستور دهنده : ظرف مدت هفت روز از تاریخ صدور دستور ع دم پرداخت به بانک گواهی تقدیم شکایت خود به مراجع قضایی را به بانک تسلیم کند وگرنه بانک، بنا به تقاضای دارنده چک وجه آن را به وی پرداخت خواهد کرد.

4- تنظیم چک به شکل نادرست :

بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک و یا اختلاف در مندرجات و امثال آنها از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

* عدم مطابقت امضاء :

منظور از امضاء هر خط، علامت ونامی است که فرد برای مستند کردن نوشته یا سند و امثال آن به خود برگزیده است.

✓- وجود مهر طبق قانون از زمره شرایط لازم برای صحت چک نمی باشد.

✓- چون اعتبار هر سندی بسته به امضای آن است، چک بدون امضاء ناقص بوده و سندیت ندارد و بنابراین کشنده آن را نمی توان تحت تعقیب کیفری قرار داد.

✓- صادر کردن چک عرفاً با امضا کردن آن محقق می شود . پس کسی که چکی را نوشته ولی آن را امضا نکرده است عرفاً صادر کننده خوانده نمی شود تا بتوان مفاد ماده 3 «قانون صدور چک» را در مورد وی مجری دانست.

* اختلاف در مندرجات:

مثال بارز اختلاف بین مبلغ به حروف و مبلغ به عدد می باشد. نمونه دیگر اینکه چک در وجه حامل صادر شده و در عین حال نام شخص معینی نیز در متن آن قید شده باشد و شخص غیر از شخص مذکور در متن چک آن را به بانک ارائه نماید و یا اینکه چک در وجه دو نفر صادر شده باشد.

5- صدور چک از حساب مسدود:

در حکم چک بلامحل است و دیوان عالی آن را پذیرفته است. مجازات آن غیر قابل تعلیق است.

* علل مسدود شدن حساب: عدم تحرک حساب، توسط مراجع قضایی، به وسیله خود شخص.

✓- شخصی را که با صحنه سازی دسته چک متعلق به دیگری را متعلق به خود وانمود کرده و با کشیدن چک از این دسته چک مال متعلق به دیگری را برده است، با اجتماع سایر شرایط می توان به عنوان کلاهبردار و جاعل و استفاده از سند مجعول تحت تعقیب قرار داد.

✓- اگرچک قبلاً صادر و بلامحل نباشد، و به علت صدور حکم ورشکستگی، بانک ممنوع از پرداخت وجه چک شده باشد، مورد مشمول قانون صدور چک نخواهد بود.

مبحث سوم :مواردی که صادر کننده طبق ماده 13 قابل تعقیب کیفری نیست:

*طبق ماده 13 در موارد زیر صادر کننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

1 - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد.

2- در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

3- در متن چک قید شده باشد که بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

4 بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

5- در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

* - قانونگذار، چک را یک وسیله پرداخت فوری می داند.

1- چک های سفید امضاء : دادن چک های سفید امضاء ظهور دارد در تفویض اختیار پر کردن آن به دارنده چک ... مگر اینکه خلاف این امر ثابت شود.

2- چک هایی که برای تضمین انجام معامله داده شده و یا وصول وجه آنها منوط به تحقق شرطی بوده است تا قبل از سال 1355 دادگاه ها هیچگونه توجهی به نوع رابطه حقوقی بین صادر کننده و دارنده چک نمی کردند . صادر کننده در هر حال مصون از تعقیب کیفری است.

3- چک های بدون تاریخ یا وعده دار، قابل تعقیب کیفری نیست.

✓ اصل بر صحت تاریخ چک است و وعده دار بودن آن باید ثابت شود.

✓ روش اثبات موجبات عدم تعقیب کیفری ← در مورد ماده 12 شهادت شهود به تنهایی مثبت ادعا نیست.

* برخی وعده دار بودن چک را از طرق زیر اثبات می کردند:

1- ارسال اظهارنامه به دارنده به تاریخ قبل از تاریخ مندرج در متن چک

2- گذشتن تاریخ مقدم بر تاریخ مندرج در صدر چک در کنار امضای خود.

3- استناد به پی در پی بودن شماره چک های مختلفی که به تاریخ های مختلف به یک نفر داده شده بودند.

مبحث چهارم : عناصر متشکله جرم صدور چک پرداخت نشدنی :

1- عنصر قانونی : مواد 3، 7، 10 و 13 اصلاحی «قانون صدور چک» مصوب سال 1355

2- عنصر مادی :

الف) عمل فیزیکی: فعل مثبت صادر کردن برگه چک که با امضاء تحقق پیدا می کند . و همچنین فعل مادی فیزیکی ارائه عدم دستور پرداخت به بانک.

ب) شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم:

فقدان موجودی یا کسر موجودی یا نادرست بودن چک از لحاظ شکلی «مثلاً قلم خورده بودن، عدم مطابقت امضاء یا اختلاف در مندرجات و امثال آنها» یا مسدود بودن حساب.

ج) نتیجه حاصله :

عدم پرداخت وجه توسط بانک یا صدور گواهی عدم پرداخت .

✓ تا زمانی که چک منتهی به عدم پرداخت نگردیده و گواهی عدم پرداخت صادر نشده است، نمی توان از صدور چک

پرداخت نشدنی سخن گفت. اعتقاد به مقید بودن این جرم موجب تسهیل تشخیص مرجع صالح برای رسیدگی به آن نیز می گردد. مرجع صالح دادگاه محل وقوع بانک محل علیه.

✓ - هرگاه کارمند بانک به اشتباه وجه چک بلامحل را پرداخت نماید عنوان مجرمانه زایل می شود و بانک نیز حق اقاله شکایت کیفری ندارد.

3- عنصر روانی : این جرم از زمره جرائم مادی صرف بوده و نیازی به اثبات عنصر روانی ندارد.

مبحث پنجم : مسایل مربوط به شکایت و دادرسی در جرم صدور چک پرداخت نشدنی:

الف- کسانی که در مورد این جرم حق شکایت کیفری دارند:

مطابق ماده 11 قانون صدور چک تنها دارنده چک، یعنی کسی که آن را برای اولین بار به بانک ارائه داده است، حق شکایت کیفری دارد

✓ هرگاه دارنده چک پس از مراجعه به بانک و برگشت خوردن چک آنرا به دیگری منتقل نماید حق شکایت کیفری از بین خواهد رفت، مگر آنکه انتقال قهری باشد. «مثلاً اینکه دارنده فوت کرده و چک به ورثه منتقل شده باشد.»
✓ - علت این ماده جلوگیری از پدیده شرخری.

✓ - در مواردی که بانک ها از طرف دارنده چک مأمور وصول و ایصال وجه چک ها باشند، این نمایندگی نیز به تصریح ندارد

✓ - برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانک ها مکلفند، به محض مراجعه دارنده چک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نماید.

✓ - کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

✓ - چک در وجه شخص معین قابل ظهرونی و انتقال نیست. نظر قوی تر در این مورد می باشد.

✓ - حق شکایت حقوقی یا مراجعه به اجرای ثبت، برخلاف شکایت کیفری، محدود به اولین ارائه کننده چک به بانک نمی باشد.

ب- مواردی را که شاکی باید رعایت کند:

✓ - در ایران قبل از انقلاب و فرانسه مرور زمان در امور مدنی و کیفری پذیرفته شده بود.

✓ - در انگلیس مرور زمان فقط در امور مدنی مورد پذیرش قرار گرفته است.

✓ - در مقررات فعلی ایران مرور زمان نه در امور مدنی و نه در امور کیفری پذیرفته شده است.

✓ - مرور زمان اموال منقول ده سال و غیر منقول بیست سال است.

✓ - مرور زمان عبارت است از مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوا شنیده نمی شود.

✓ - به نظر مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی، حدود هیچگاه بر اثر مرور زمان ساقط نمی گردند، و این نظر با نظر فقهای شیعه نیز مطابقت دارد.

✓ - مطابق دیوان عدالت اداری مصوب سال 1360، تجدیدنظر از آراء این دیوان ده روز است برای وزارتخانه ها سازمان های دولتی، نهادهای انقلابی و شهرداریها.

✓ - مطابق لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب شورای انقلاب 1358 تجدیدنظر از آراء این دادگاه ده روز است.

✓ - مطابق قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال 1373 تجدیدنظر برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور باشند دوماه از تاریخ ابلاغ رأی دانسته اند.

✓ - در قانون صدور چک مصوب سال 1355 قانونگذار مرور زمان خاص را پیش بینی کرده است و آنرا قبول دارد.

✓- مطابق ماده 11 قانون صدور چک دارنده باید دو موعده را رعایت کند ← 1- ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور چک آنرا به بانک ارائه نماید. 2- ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک اقدام به شکایت کیفری کند. در صورت عدم رعایت این دو موعده توسط دارنده حق شکایت کیفری وی ساقط خواهد شد.

✓- دارنده باید ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور چک آن را به بانک عرضه کند، اعم از اینکه آن بانک بانکی محال علیه باشد یا بانکی که مأمور وصول وجه چک از بانک محال علیه است.

✓- هرگاه دارنده چک قبل از ارائه آن به بانک فوت کند، موعده اول یعنی لزوم ارائه چک به بانک ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور قابل تمدید نمی باشد.

پ- کسانی که می توان اقدام به شکایت کیفری علیه آنها کرد: صادر کننده چک

✓- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی، صادر شده باشد مسئولیت کیفری طبق ماده 19 قانون صدور چک با امضاء کننده چک خواهد بود.

✓- هرگاه چک نیاز به امضای دو یا چند نفر داشته باشد و یکی از آنان چک را امضاء کرده و آن را به دارنده بدهد، تنها او در قبال عدم پرداخت وجه چک مسئولیت کیفری خواهد داشت.

✓- در مورد مسئولیت مدنی «ماده 19» صادر کننده «یعنی امضاء کننده» و صاحب حساب را متضامناً مسئول پرداخت وجه چک شناخته است.

ت- چک های بلامحل صادره در ایران عهده بانک های واقع در خارج کشور:

✓ صرف صدور چک بلامحل در ایران هرچند که نتیجه آن در خارج کشور رخ دهد، در حکم جرم واقع شده در ایران است.

ث- دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم صدور چک پرداخت نشدنی :

✓ دادگاه محل وقوع بانک محال علیه می باشد . در فرانسه محل وقوع بانک را ضابطه تعیین صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این جرم دانسته .

✓- در صورت صدور چک در ایران عهده بانک های واقع در کشورهای خارج باید دادگاه واقع در محل صدور چک را صالح برای رسیدگی به جرم دانست.

✓- در حال حاضر رسیدگی به جرایم راجع به صدور چک پرداخت نشدنی، در دادگاه های عمومی صورت می گیرد.

ج- مطالبه ضرر و زیان در دعوی کیفری و فوری بودن رسیدگی :

✓ ماده 15، دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.

✓ «ماده 16» رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد، البته با توجه به کثرت دعاوی راجع به چک این مسأله منتفی شده است.

✓- خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه های قانونی است.

✓- با تصویب قانون تعزیرات سال 1375 در آن امتناع از پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم نیز موجب فروش اموال محکوم علیه یا نگهداشتن وی در بازداشت تا زمان استیفای حقوق محکوم له دانسته شد.

چ- قرار تأمین در جرم صدور چک پرداخت نشدنی تا قبل از اصلاحات سال 1382:

✓ برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهمی که دلایل کافی برای توجیه اتهام وی وجود دارد، مرجع تعقیب مکلف به صدور قرار تأمین می باشد.

✓ انواع قراردادهای تأمین در ماده 132 ق.آ.د.ک مصوب سال 1378 :

1- التزام به حضور با قول شرف

2- التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الكفاله

3- اخذ کفیل

4- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول 5- بازداشت موقت.

✓ - تأمین باید متناسب با اهمیت جرم، شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم، سوابق و وضع مزاج و سن و حیثیت وی باشد. «ماده 134 ق.آ.د.ک»

✓ وجه الضمان از انواع وثیقه است.

✓ - هرگاه مبلغ چک به ارز خارجی باشد، مبلغ ارزی باید به عنوان تأمین سپرده شده و نیز مبنای تعیین ج ریمه قرار گیرد و مراجع قضایی باید نرخ ارز را از بانک مرکزی استعلام و تأمین را به ارز مالی یعنی ریال تعیین کنند.

ح-- قرار تأمین پس از اصلاحات سال 1382:

وجود قرار تأمین خاص به شکل وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی موجب به زندان افتادن بسیاری از صادر کنندگان که توان پرداخت مبلغ چک را به شکل وجه الضمان یا برای صدور ضمانت نامه بانکی نداشتند.

مبحث ششم - مجازات جرم صدور چک پرداخت نشدنی :

الف- مجازات اصلی: شش ماه تا دو سال حبس تعزیری، جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی به هنگام ارائه چک به بانک .

✓ - جزای نقدی پیش بینی شده یک جزای نقدی نسبی است نه ثابت.

- اگر دو یا چند نفر چک بلامحل را امضاء کرده باشند ، جزای نقدی به نسبت میزان مسئولیت مدنی هر یک از امضاکنندگان تعیین می گردد.

✓ - با اصلاحات سال 1382 جزای نقدی از عداد مجازاتهای جرم صدور ر چک پرداخت نشدنی خارج شده میزان مجازات حبس با توجه به مبلغ چک تعیین شد.

✓ - مجازات شریک جرم صدور چک پرداخت نشدنی «مثلاً امضاء کننده دوم» همان مجازات فاعل مستقل و مجازات معاونت در این جرم « به شکل تحریک ، ترغیب، تهدید، تطمیع، تسهیل و غیره » به موجب «ماده 729 قانون مجازات اسلامی» حداقل مجازات مباشر خواهد بود.

ب-- اقدام بازدارنده :

ماده 21 «قانون صدور چک» بانک ها را مکلف کرده که کلیه حساب های جاری اشخاصی که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست می شود بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند. و فقط در صورت تبرئه شدن از سوی دادگاه اجازه افتتاح حساب جاری را می یابند.

مبحث هفتم- تکرار یا تعدد جرم صدور چک پرداخت نشدنی

این جرم از جرایم مستوجب تعزیر می باشد.

اگر کسی چند فقره چک بلامحل صادر کرده باشد و به همه آنها یکجا رسیدگی شود فقط یک مجازات برای وی تعیین خواهد شد، ولی تعدد جرم در این حالت می تواند از علل مشدده کیفر باشد.

✓ - جرم صدور چک پرداخت نشدنی بزه جداگانه ای است که نمی تواند، حتی در صورت تعدد ارتکاب آن تحت عنوان کلاهبرداری مورد تعقیب قرار گیرد.

✓ - هرگاه کسی از دسته چک دیگری استفاده کرده و خود را صاحب چک قلمداد نماید عمل او کلاهبرداری و جعل امضا و استفاده از سند مجعول خواهد بود نه صدور چک بلامحل.

✓ - کسی که با صحنه سازی خود را معتبر جلوه داده و بدین وسیله دیگری را به قبول چکی که صادر کرده ترغیب می کند و در مقابل اموال و جوهری را از وی دریافت می دارد در صورت برگشت خوردن چک، هم به ارتکاب جرم کلاهبرداری و هم به ارتکاب جرم صدور چک بلامحل محکوم گشته و مقررات راجع به تعدد جرم درباره وی اعمال می شود.

✓ - هرگاه صاحب حسابی چکی را که از حساب وی توسط شخص دیگری که صاحب امضای مجاز نبوده امضاء شده است به عنوان ثمن معامله به فروشنده ای بدهد، اتهام امضاکننده جعل و اتهام صاحب حساب استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری می باشد.

✓ - صدور دو یا چند چک بلامحل بابت یک دین مانع اجرای مقررات راجع به تعدد جرم نمی باشد.

«پایان»